

یادداشت

جرا آمریکا پیش از جنایت درهای دادگاه را می بندد؟

توطئه مصونیت

علی جوانبخت

وکیل دادگستری

در ادبیات سیاست بین الملل ضرب‌المثلی هست که می‌گویند: «قدرت وقتی از پاسخ‌گویی بترسد، اول شاهد را از دادگاه بیرون می‌کند». آنچه امروز در واشینگتن می‌گذرد، دقیقاً نمونه‌ای بی‌بدیل و مستند از همین قاعده است. در منظومه حقوق بین‌الملل معاصر، فقط دو سازوکار جهان‌شمول برای پاسخ‌گوکردن مرتکبان سنگین‌ترین جرائم وجود دارد: نخست دیوان کیفری بین‌المللی (ICC) که بر پایه اساسنامه رم، مصوب ۱۷ جولای ۱۹۹۸، برای رسیدگی به جنایت جنگی، جنایت علیه بشریت، نسل‌زدایی و تجاوز تشکیل شده و اکنون ۱۲۵ کشور عضو آن هستند؛ و دوم شورای حقوق بشر سازمان ملل متحد که در ۱۵ مارس ۲۰۰۶ با قطع‌نامه ۲۵۱/۶۰ مجمع عمومی تأسیس شد و ابزارهایی چون رویه ویژه، گزارشگران ویژه و هیئت‌های حقیقت‌یاب را در اختیار دارد. هیچ نهاد دیگری در ساختار کنونی بین‌المللی وجود ندارد که بتواند یک دولت قدرتمند را در برابر اعمالش مسئول کند. شورای امنیت به دلیل حق وِتو در دست پنج عضو دائم، عملاً نسبت به خود آنان فلج است. دیوان بین‌المللی دادگستری به اختلافات میان دولت‌ها می‌پردازد و شخصاً کسی را محاکمه نمی‌کند. پس آنچه می‌ماند فقط همین دو نهاد است.

یک روز پس از گزارش جنایت جنگی

آمریکا در ۱۸ سپتامبر ۲۰۲۶ رسماً پایان مشارکت خود در شورای حقوق بشر را اعلام کرد. آنچه این اقدام را از یک تصمیم اداری صرف خارج می‌کند، زمان‌بندی آن است؛ این خروج دقیقاً یک روز پس از انتشار گزارش هیئت مستقل بین‌المللی حقیقت‌یاب سازمان ملل درباره ایران صورت گرفت. این هیئت اعلام کرد «دلایل معقولی» وجود دارد که نیروهای آمریکایی در دو حمله به ایران -نخست حمله به مدرسه ابتدایی شجره طیبه در میناب و دوم حمله به یک مجموعه ورزشی در لامرد- مرتکب جنایت جنگی از طریق حملات کورکورانه شده‌اند که در جریان آن دست‌کم ۱۷۸ غیرنظامی کشته شدند. بیانیه وزارت خارجه آمریکا در توضیح این تصمیم، شورای حقوق بشر را نهادهی «بی‌اعتبار» خواند که به «ادبیات ضدآمریکایی و ضدیهودی» و «مماشات با حکومت‌های سرکوبگر» پرداخته است. اما این روایت با سابقه این نهاد در تعارض است. نکته مهم آن است که این نخستین خروج نیست؛ ترامپ در دوره اول ریاست‌جمهوری خود در سال ۲۰۱۸ نیز آمریکا را از همین شورا خارج کرد و دولت بعدی در ۲۰۲۱ آن را بازگرداند. در چهارم فوریه ۲۰۲۵ نیز فرمان اجرایی دیگری توقف مشارکت را اعلام کرد و سرانجام در سپتامبر ۲۰۲۶ این خبر حمله رسمی یافت.

از تحریم اشخاص تا انحلال نهاد

موازی با این اقدام، کارزار فشار بر دیوان کیفری بین‌المللی نیز تشدید شد. بر پایه فرمان اجرایی شماره ۱۴۲۰۳، آمریکا در مجموع ۱۷ نفر از مقامات دیوان را تحریم کرده است؛ از جمله توموکو آکانه، رئیس دیوان و شهروند ژاپن و عبدالله سیه، دادستان ارشد و شهروند سنگال. سپس در ۹ اکتبر ۲۰۲۶ تحریم‌ها به سطح خود نهاد گسترش یافت؛ مسدودسازی دارایی‌های دیوان در قلمرو قضائی آمریکا، ممنوعیت هرگونه معامله شرکت‌ها و اشخاص آمریکایی با آن و اعطای مهلتی شش‌ماهه به طرف‌های قرارداد برای قطع همکاری، مارکو روبیو، وزیر خارجه آمریکا، این دیوان را «دادگاهی سرکش» و «به‌شدت سیاسی‌شده» خواند و تصریح کرد: «با دیوان تهدیدهای خود را متوقف می‌کند یا ما به فعالیت آن پایان می‌دهیم». او کارزار واشینگتن را «فریوایش گام‌به‌گام» و «آجره‌آجر برچیدن» این نهاد توصیف کرد.

جرا این اقدامات، مقدمه‌چینی برای آینده است؟

پرسش حقوقی بنیادین این است: چرا یک دولت، پیش از وقوع هر اتهام رسمی، سازوکارهای پاسخ‌گویی را از کار می‌اندازد؟ پاسخ در منطق حقوقی رفتار دولت‌ها نهفته است. نخست آنکه دیوان کیفری بین‌المللی بر اساس اصل «صلاحیت تکمیلی» مندرج در ماده ۱۷ اساسنامه رم عمل می‌کند؛ یعنی وقتی دادگاه‌های داخلی نخواهند یا نتوانند رسیدگی کنند، دیوان وارد می‌شود. آمریکا با رد صلاحیت دیوان بسر اتباع خود، عملاً اعلام کرده راه رسیدگی داخلی به اعمال نیروهایش را نیز نخواهد پذیرفت. ایسن موضع، در ترکیب با تحریم قضات و دادستان‌ها به معنای حذف دو مسیر موازی پاسخ‌گویی است. دوم آنکه تحریم نهادهی نه صرفاً واکنشی به یک پرونده، که اقدامی ساختاری است. وقتی دادگاه از دارایی، دسترسی مالی و همکاران تجاری محروم می‌شود، نتهت‌ها پرونده‌های جاری کند می‌شود. بلکه ظرفیت پیگیری پرونده‌های آینده نیز از میان می‌رود. سبوم و مهتر از آن هم، ماده ۱۲ اساسنامه رم است که صلاحیت دیوان را بر اتباع دولت‌های غیرعضو نیز در قلمرو دولت‌های عضو می‌پذیرد. همین ماده بود که به دیوان اجازه داد در ۲۱ نوامبر ۲۰۲۴ قرار بازداشت بنیامین نتانیاهو و یوآو کالانت را به اتهام استفاده از گرسنگی به عنوان ابزار جنگی، قتل، آزار و سایر اعمال غیرانسانی علیه فلسطینیان در غزه صادر کند. آمریکا و رژیم اسرائیل عضو دیوان نیستند، اما دیوان صلاحیت خود را بر مبنای قلمرو پذیرفته است. اینجاست که تحریم دیوان از یک اختلاف حقوقی به ابزار برای بی‌انگردن اصل پاسخ‌گویی کیفری بین‌المللی تبدیل می‌شود. چهارم، درباره شورای حقوق بشر باید توجه داشت گزارش‌های هیئت‌های حقیقت‌یاب فی‌نفسه الزام‌آور نیستند و هیئت حقیقت‌یاب یک دادگاه نیست. اما این گزارش‌ها، همان‌گونه که خود سازمان ملل تصریح کرده، می‌توانند در آینده به عنوان بخشی از مستندات مربوط به مسئولیت حقوقی مورد استفاده قرار گیرند. خروج آمریکا دقیقاً در لحظه‌ای رخ داد که این مستندسازی شروع شده بود.

انزوا ی روایت آمریکایی

آنچه تصویر ماجرا را کامل می‌کند، مواضع متحدان نزدیک واشینگتن است. وزیران خارجه دانمارک، آلمان، فرانسه، ایتالیا، هلند، انگلیس، کانادا و ژاپن در بیانیه‌ای مشترک، مخالفت شدید خود را با تحریم‌های آمریکا علیه دیوان اعلام و بر حمایت از استقلال، بی‌طرفی و سلامت دیوان تأکید کردند. استفان دوجاریک، سخنگوی دبیرکل سازمان ملل، تصمیم تحریم را «ضربه‌ای جدی به تلاش جمعی برای تحقق عدالت بین‌المللی کیفری» خواند. نایب رییس‌جمهوری آفریقای جنوبی و قاضی پیشین دیوان که در همان روزها به عنوان برنده جایزه صلح نوبل معرفی شده بود، تحریم قضات «صرفاً به دلیل تصمیم‌های قضائی‌شان» را «غیرقابل قبول و بی‌سابقه» توصیف کرد. سیاست غلط آمریکا نمی‌تواند بگوید تنها حاکمیتش تهدید می‌شود. حتی نزدیک‌ترین متحدانش هم چنین چیزی را نمی‌پذیرند.

بستن در، پیش از ورود مهم

تصویر کامل این است: کشوری که پیش‌تر خود را از دامنه صلاحیت دیوان کیفری بین‌المللی بیرون نگه داشته بود، حالا قضات و رئیس و دادستان آن را تحریم می‌کند، نهادش را در آستانه فریوایشی مالی قرار می‌دهد و هم‌زمان از شورای

حقوق بشر خارج می‌شود؛ آن‌هم یک روز پس از انتشار مستندات جنایت جنگی در میناب و لامرد. این توالی تصادفی نیست. منطق حاکم بر آن، همان منطق است که هر وکیل دفاعی کارگرفته در همان نخستین دقیقای مواجهه با پرونده به

کار می‌گیرد: تا ممکن است، دادرس و دادگاه را از پرونده خارج کن و اگر نشد، خود دفتر و مهر و پرونده را بردار. با این تفاوت که این بار، بازگیر توانمندی وارد میدان شده که توانایی مالی براندازی عدالت جهانی را نیز در اختیار دارد.

یادداشت کامل را در سایت شرق بخوانید

موسی موحّد: تحولات این روزها پیرامون ایران را نمی‌توان صرفاً

در چارچوب تقابل تهران و واشینگتن یا اختلاف بر سر بسته‌های پیشنهادی تحلیل کرد. چون در کنار تصمیم‌های دولت دونالد ترامپ، سیاست‌های بنیامین نتانیاهو و تلاش تل‌آویو برای اثرگذاری بر محاسبات آمریکا و تحولات جبهه‌های منطقه‌ای، از جمله یمن، بخشی از معادله‌ای هستند که می‌تواند مسیر بحران را به سوی مذاکره یا رویارویی دوباره سوق دهد. دستور پنتاگون برای تکمیل آمادگی‌های نظامی برای احتمال ازسرگیری عملیات علیه ایران، در حالی که هنوز تصمیم نهایی برای حمله اعلام نشده، نشان می‌دهد گزینه نظامی از محاسبات واشینگتن کنار گذاشته نشده است. وجه مهم‌تر ماجرا، هم‌زمانی این وضعیت با رقابت‌های سیاسی در داخل اسرائیل است؛ کم‌اینکه ابهود باراک، نخست‌وزیر پیشین این رژیم، عنوان داشته نتانیاهو با فراهم‌کردن مقدمات جنگ، ممکن است در پی به‌تعویق‌انداختن انتخابات باشد. این ادعا، به‌خودی‌خود اثبات‌کننده انگیزه نتانیاهو نیست، اما نشان می‌دهد احتمال پیوندخوردن تصمیم‌های امنیتی با ملاحظات سیاسی به موضوعی جدی در منازعه داخلی اسرائیل تبدیل شده است.

در سبوی دیگر، نفتالی بنت هم به عنوان نخست‌وزیر اسبق این رژیم و از رقبای جدی نتانیاهو در انتخابات پارلمانی با وعده کنارزدن بی‌بی و اصلاح ساختار سیاسی اسرائیل، از حرکت این رژیم به سوی «خودکشی تدریجی» سخن گفته است. از این منظر، خطر جنگ مجدد را باید نه قطعی دانست و نه کم‌اهمیت شمرد. اگرچه تصمیم نهایی واشینگتن نامعلوم است، تداوم آمادگی نظامی، فشار اسرائیل برای شکل‌دهی به سیاست آمریکا و احتمال تأثیرگذاری رقابت‌های داخلی بر محاسبات امنیتی، همگی عواملی‌اند که می‌توانند فضای دیپلماسی را محدود و خطر تشدید بحران را افزایش دهند. بنابراین برای ایران، رصد هم‌زمان تحركات نظامی، پیام‌ها یسیاسی و تحولات جبهه‌های منطقه‌ای ضروری است؛ چراکه مسیر جنگ یا توافق ممکن است نه با یک اعلام رسمی، بلکه با انباشت تدریجی تصمیم‌ها و محاسبات متقابل تغییر کند.

ابهام در اسرائیل از تصمیم ترامپ؛ میان احتمال ازسرگیری جنگ و توافق با ایران

سیاست اسرائیل در قبال ایران و تلاش تل‌آویو برای تأثیرگذاری بر تصمیم‌های دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور آمریکا، در شرایطی دنبال می‌شود که هنوز چشم‌انداز روشنی از سرزشت جنگ و احتمال دستیابی به توافق میان واشینگتن و تهران وجود ندارد. بر اساس گزارش المانیئور، مقام‌های سیاسی و امنیتی اسرائیل از دو سناریوی متفاوت نگران‌اند؛ با ازسرگیری حملات به ایران و پیامدهای امنیتی آن برای اسرائیل، یا دستیابی شتاب‌زده آمریکا به توافقی که از نظر تل‌آویو محدودیت‌های کافی بر برنامه هسته‌ای ایران اعمال نکند. در این باره و درست در آستانه انتخابات پارلمانی اسرائیل در ۲۷ اکتبر و انتخابات میان‌دوره‌ای آمریکا در سبوم نوامبر، واشینگتن دستورالعمل‌هایی به اسرائیل ابلاغ کرده است تا برای احتمال ازسرگیری حملات علیه ایران آماده باشد. مقام‌های اسرائیلی به المانیئور گفته‌اند از این دستور غافلگیر شده‌اند. این تحول هم‌زمان با گزارشی در نشریه آتلانتیک منتشر شده که از درخواست ترامپ برای تدوین گزینه‌های حمله به اهداف ایرانی پیش از انتخابات میان‌دوره‌ای حکایت داشت. بااین‌حال، نیویورکتایمز گزارش داد ترامپ تمایلی به ازسرگیری درگیری‌ها ندارد و رئیس‌جمهور آمریکا نیز در تروت‌سوشال اعلام کرد واشینگتن پیش از انتخابات میان‌دوره‌ای به ایران حمله نخواهد کرد.

در این بین تحولات نظامی و مواضع واشینگتن با معادلات انتخاباتی اسرائیل پیوند خورده است. نظرسنجی‌های اخیر نشان می‌دهند فاصله حزب لیکود به رهبری بنیامین نتانیاهو با حزب یاشار به رهبری گادی آیزنکوت کاهش یافته است. در نظرسنجی روزنامه معاریو، لیکود ۲۰ کرسی و یاشار ۲۱ کرسی پیش‌بینی شده‌اند. به گزارش المانیئور، تمرکز دوباره افکار عمومی بر تهدیدهای امنیتی می‌تواند توجه‌ها را از ناکامی‌ها و قلمروهای مرتبط با حملات هفتم اکتبر منحرف کند. ازسرگیری حملات به ایران ممکن است با ایجاد فضای «همبستگی حول پرچم» موقعیت انتخاباتی نتانیاهو را تقویت کند یا به تعویق انتخابات و طولانی‌شدن دوره نخست‌وزیری و بینجامد. نزدیکان نخست‌وزیر می‌گویند او کارزار انتخاباتی خود را بر مسائل امنیتی متمرکز و از تأسیسات نظامی بازدید کرده است. یک منبع نزدیک به نتانیاهو نیز گفته است او در آستانه انتخابات خواهان آغاز جنگ نیست، مگر آنکه گزینه دیگری وجود نداشته باشد؛ بااین‌حال، فضای پرتنش امنیتی و آغاز احتمالی جنگ از سوی آمریکا می‌تواند به سود او تمام شود.

در مقابل، مقام‌های نظامی اسرائیل نگران‌اند حمله جدید به ایران، حتی بدون مشارکت مستقیم اسرائیل، با حملات تلافی‌جویانه تهران همراه شود و برگزاری انتخابات را مختل کند.

بنا بر گزارش المانیئور، ایال زامیر، رئیس ستاد کل ارتش اسرائیل، در گفت‌وگو با همتایان آمریکایی خود پیامدهای احتمالی چنین سناریویی را مطرح کرده است. در همین حال، مقام‌های اسرائیلی درباره نیت واقعی واشینگتن سردرگم‌اند؛ به‌ویژه آنکه با وجود اظهارات ترامپ درباره حمله‌نکردن پیش از انتخابات، آمریکا در حال تقویت حضور نظامی خود در منطقه است و ورود سومین ناو هواپیمابر نیز مطرح شده است.

نگرانی از توافق هسته‌ای و تلاش برای اثرگذاری بر مذاکرات

در کنار احتمال جنگ، اسرائیل از توافق احتمالی واشینگتن و تهران نیز نگران است. منابع سیاسی اسرائیلی به المانیئور گفته‌اند بیسم آن دارند که ترامپ برای پایان‌دادن به جنگ، امتیازهایی در زمینه برنامه هسته‌ای ایران بدهد. این نگرانی پس از اعلام خودداری آمریکا از حمله پیش از انتخابات افزایش یافته است؛ زیرا در محاسبات تل‌آویو، احتمال تلاش واشینگتن برای دستیابی سریع به توافق مطرح می‌شود. یک منبع ارشد امنیتی اسرائیل تأیید کرده است تل‌آویو در تلاش است بر روند تحولات اثر بگذارد و سدی درباره خواسته‌ها و محدودیت‌های موردنظر خود برای هر توافقی احتمالی تهیه کرده است. نگرانی اصلی اسرائیل، به‌گفته این منبع، تغییر تدریجی ادبیات آمریکا از برچیدن کامل ظرفیت غنی‌سازی و خارج‌کردن ذخایر اورانیوم از ایران به سمت کاهش چشمگیر ظرفیت غنی‌سازی و رقیق‌سازی مواد موجود است. جی‌دی ونس، معاون رئیس‌جمهور آمریکا نیز گفته است ایران باید ظرفیت غنی‌سازی خود را با میزان معاداری کاهش دهد. مقام امنیتی اسرائیل تأکید کرده است از دید تل‌آویو، ادعای واهی تهدید هسته‌ای ایران فقط زمانی برطرف‌شده تلقی می‌شود که هیچ ظرفیت غنی‌سازی و هیچ ماده غنی‌شده‌ای در ایران باقی نماند. اسرائیل همچنین می‌خواهد از کنار گذاشته‌شدن از مذاکرات جلوگیری کند؛ تجربه‌ای که به‌گفته این مقام، در مذاکرات دولت باراک اوماما با تهران و دستیابی به توافق هسته‌ای سال ۲۰۱۵ رخ داد. ازاین‌رو، تل‌آویو می‌کوشد پیش از نهایی‌شدن هر توافق احتمالی، بر روند مذاکرات و شروط آن تأثیر بگذارد.

در چارچوب تحولات مربوط به سیاست اسرائیل در قبال ایران و ابهام درباره تصمیم دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور آمریکا، برای ازسرگیری حملات یا ادامه مسیر کنونی، رسانه عبری معاریو از نگرانی نهادهای امنیتی اسرائیل درباره زمان احتمالی رویارویی جدید با تهران خبر داده است. بر اساس برآوردهای نقل‌شده در این رسانه، اگر ایران در شرایط کنونی به اسرائیل حمله نکند، احتمال دارد رویارویی به پس از انتخابات اسرائیل موکول شود. هم‌زمان، گزارش‌ها از فرسودگی نیروهای نظامی اسرائیل پس از سال‌ها درگیری در چندین جبهه حکایت دارند و این مسئله در کنار آماده‌باش امنیتی، پرسش‌هایی درباره توان عملیاتی ارتش ایجاد کرده است.

معاریو در گزارش مفصل خود درباره وضعیت ارتش اسرائیل نوشته است پس از نزدیک به سه سال جنگ مداوم در هفت جبهه، این ارتش با خستگی و فرسودگی نیروها روبه‌رو شده است. این رسانه تأکید می‌کند تداوم نبرد در چنین تعداد جبهه‌ای و طی این مدت طولانی، فشار اقتصادی را بر ایران نباید پیش از نظامی وارد کرده است. در همین شرایط، همه‌وعده‌ای از حوادث عملیاتی نگرانی‌هایی درباره نحوه اجرای مأموریت‌ها، رعایت دستورالعمل‌های ایمنی و عملکرد فرماندهان به وجود آورده است. بر اساس آمار منتشرشده در گزارش معاریو، از آغاز جنگ موسوم به «شمشیرهای آهنین» در ۷ اکتبر ۲۰۲۳، مجموعاً هزار و ۳۱۹ نفر از نیروهای امنیتی اسرائیل کشته‌شده‌اند که هزار و ۱۵۴ نفر از آنان عضو ارتش بوده‌اند. از این میان، ۱۶۰ نفر در حوادث عملیاتی جان باخته‌اند و این رقم طبق محاسبه معاریو، حدود ۱۴ درصد از تلفات نظامی ارتش را تشکیل می‌دهد.

این رسانه عبری با اشاره به وضعیت کنونی ارتش اسرائیل، شرایط «دفاع هجومی رو به جلو» را دوره‌ای حساس توصیف می‌کند که مستلزم حفظ آمادگی نیروها، نگهداری تجهیزات و جلوگیری از سه‌انگاری ناشی از خستگی و بکنواختی مأموریت‌های روزمره است. این رسانه مسئولیت پیشگیری از حوادث را متوجه تمام سطوح فرماندهی، از فرماندهان دسته تا ایال زمیر، رئیس ستاد کل ارتش، می‌داند. در همین حال، شبکه ۱۲ اسرائیل گزارش داده است بنیامین نتانیاهو، شامگاه یکشنبه پس از اظهارات ترامپ درباره احتمال ازسرگیری حملات به ایران، رایزنی‌های امنیتی برگزار کرد. مجموع این گزارش‌ها نشان می‌دهد در محاسبات امنیتی اسرائیل، زمان احتمالی رویارویی با ایران و پیامدهای آن برای آمادگی ارتش و فضای سیاسی داخلی همچنان اهمیت دارد. بااین‌حال، گزارش معاریو درباره احتمال موکول‌شدن رویارویی به پس از انتخابات، یک برآورد منتسب به نهادهای امنیتی است و خبر رایزنی‌های نتانیاهو نیز به‌خودی‌خود به معنای اتخاذ تصمیم قطعی برای ازسرگیری جنگ نیست.

تحركات اسرائیل در جریان مذاکرات محرمانه واشینگتن و تهران و تلاش برای تحمیل شروط سخت‌گیرانه هسته‌ای

در ادامه تحولات مربوط به سیاست اسرائیل در قبال ایران و تلاش تل‌آویو برای تأثیرگذاری بر تصمیم‌های دولت دونالد ترامپ، سیمور هرش، روزنامه‌نگار تحقیقی آمریکایی، از تحركات محرمانه در مذاکرات واشینگتن و تهران و نگرانی عمیق اسرائیل از احتمال دستیابی به توافقی هسته‌ای خبر داده است. به نوشته هرش، منابع آمریکایی و اسرائیلی مطلع از مذاکرات می‌گویند گفت‌وگوها وارد مرحله‌ای جدی‌تر و فنی‌تر شده‌اند و این تحولات عملاً مقام‌های اسرائیلی را به تدوین سسندی درباره الزامات و معیارهای موردنظر خود برای راستی‌آزمایی برنامه هسته‌ای ایران واداشته است. هرش در ادامه نوشته خود مدعی شده این معادلات در شرایطی رخ می‌دهند که اقتصاد ایران با مشکلات فرازنده روبه‌روست و دستیابی به توافقی متمرکز بر پرونده هسته‌ای، یکی از مسیرهای پیش‌روی تهران برای خروج از وضعیت کنونی محسوب می‌شود. به روایت او، اسرائیل همچنان معتقد است جریان‌های تندرو در ایران درصدد حفظ مخفیانه ظرفیت‌های هسته‌ای هستند و از این رو، هرگونه توافقی که نتواند مانع بازسازی این ظرفیت‌ها شود، نگران‌کننده می‌داند.

به گزارش هرش، نگرانی از مذاکرات محرمانه، گروهی از کارشناسان و افراد باتجربه اسرائیلی در حوزه‌های نظامی و هسته‌ای را به تهیه سسندی با عنوان «یک نظام راستی‌آزمایی هسته‌ای کاملاً نفوذناپذیر در ایران باید چه ویژگی‌هایی داشته باشد؟» سوق داده است. محور اصلی این سند، ایجاد نظامی با سطح دسترسی و نظارت بسیار فراتر از پادمان‌های متعارف بین‌المللی است. بر اساس منع نقل‌شده از سند، بازرسان آژانس بین‌المللی انرژی اتمی باید بتوانند ظرف ۲۴ ساعت به هر تأسیسات هسته‌ای ایران، اعم از نظامی یا غیرنظامی، دسترسی پیدا کنند تا امکان پنهان‌سازی یا پاک‌سازی شواهد کاهش یابد. نویسندگان سند معتقدند با توجه به دانش فنی ایران و سابقه فعالیت در تأسیسات مخفی، بازرسی از مواد هسته‌ای اعلام‌شده به‌تنهایی کافی نیست و راستی‌آزمایی باید همه مکان‌ها و اطلاعات مرتبط را دربر بگیرد. موضوع دیگر، ذخایر اورانیوم غنی‌شده ایران با غای ۶۰ درصد است که بنا بر گزارش، در تأسیسات زیرزمینی نگهداری می‌شوند. سند اسرائیلی خواستار رقیق‌سازی کامل این ذخایر یا خارج‌کردن آنها از ایران است. هرش این خواسته را نشانه‌ای از دشواری احتمالی اجرای عملیات مدیانی برای یافتن و انتقال یا نابودی این مواد می‌داند. یک کارشناس آمریکایی که هرش سند را با او در میان گذاشته، آن را بحثی فنی و سطح بالا درباره تعطیلی تأسیسات هسته‌ای و راستی‌آزمایی ارزیابی کرده است؛ هرچند به گفته او، سند به همه ابعاد سیاسی جلوگیری از دستیابی ایران به سلاح هسته‌ای نمی‌پردازد.

در ادامه گزارش، هرش تأکید می‌کند که دور کنونی مذاکرات از گفت‌وگوهای پیشین که جرد کوشنر و استیو ویتکاف در آنها نقش داشتند، جدی‌تر و فنی‌تر توصیف شده است. بااین‌حال، کارشناس آمریکایی‌مسور استناد او هشدار می‌دهد که پیشرفت‌های حاصل‌شده با وجود اهمیتشان همچنان محدودند. او همچنین معتقد است فشار اقتصادی بر ایران نباید پیش از نهایی‌شدن توافق کاهش یابد و به وعده‌های اسرائیلی تهران در زمینه منع اشاعه اشاره می‌کند. این کارشناس بر این باور است که اسرائیل خواهان شکست مذاکرات راستی‌آزمایی است، اگر نتیجه آن توافقی باشد که به برچیدن کامل برنامه تسلیحاتی مورد نگرانی تل‌آویو منجر نشود. از دیدگاه مطرح‌شده در گزارش، اسرائیل نگران است دولت ترامپ برای دستیابی به توافق پیش از انتخابات توانمیر شتاب کند و در نتیجه، محدودیت‌هایی کمتر از خواسته‌های اسرائیل را بپذیرد.

هرش همچنین به اختلاف میان مطالبات امنیتی اسرائیل و تلاش‌های بین‌المللی برای بازگشایی تنگه هرمز اشاره می‌کند؛ اختلافی که به گفته کارشناس مورد استاد، پیچیدگی دیپلماسی را افزایش داده است. یکی از مسائل اساسی مذاکرات نیز تعریف حق ایران برای استفاده صلح‌آمیز از انرژی هسته‌ای است. در پایان، گزارش دیدگاه اسرائیل را چنین بازتاب می‌دهد که تهران ممکن است از مذاکرات برای خرید زمان، به‌بوسد وضعیت اقتصادی و تقویت دفاع پیرامون تأسیسات نطنز، اصفهان و فردو استفاده کند؛ تأسیساتی که در سال‌های اخیر هدف حملات آمریکا و اسرائیل قرار گرفته‌اند. این ارزیابی‌ها و ادعای و منابع و کارشناسان مورد استاد هرش تعلق دارند و به‌خودی‌خود باینگر نتیجه قطعی مذاکرات یا تصمیم نهایی واشینگتن نیستند.

تکاپوهای نتانیاهو برای ورود به جبهه یمن و جلب همراهی عربستان

در کنار تلاش بنیامین نتانیاهو برای اثرگذاری بر تصمیم‌های واشینگتن درباره ایران، تل‌آویو می‌کوشد از معادلات جبهه یمن نیز برای گسترش دامنه نفوذ منطقه‌ای خود بهره بگیرد.



روایت «شرق» از چشم‌انتظاری نتانیاهو برای تعیین تکلیف سیاست واشینگتن در قبال تهران

نتانیاهو و هندسه بحران

گزارش هآرتص از تلاش نخست‌وزیر اسرائیل برای همراهی با عربستان در رویارویی با انصارالله حکایت دارد؛ تلاشی که هم‌زمان با اهداف امنیتی و چشم‌انداز عادی‌سازی روابط دو طرف پیوند خورده است. روزنامه هآرتص به نقل از دو منبع آگاه گزارش داده است که بنیامین نتانیاهو، نخست‌وزیر اسرائیل، با میانجیگری آمریکا تلاش می‌کند عربستان سعودی را متقاعد کند به اسرائیل اجازه دهد در کارزار نظامی علیه انصارالله یمن مداخله کند. به گفته این منابع، هدف تل‌آویو از این اقدام، قرارگرفتن در یک جبهه مشترک با ریاض، گسترش روابط دوجانبه و فراهم‌کردن زمینه برای عادی‌سازی روابط میان دو طرف است. بااین‌حال، یک منبع دیپلماتیک گفته است محمد بن‌سلمان، ولیعهد عربستان، با این طرح مخالفت کرده و مداخله نظامی اسرائیل در یمن را خط قرمز می‌داند.

بر اساس گزارش هآرتص، بن‌سلمان تمایلی به دریافت کمک نظامی از اسرائیل در جنگ با حوثی‌ها ندارد؛ زیرا همکاری آشکار با تل‌آویو ممکن است در افکار عمومی عربستان بازتاب منفی داشته باشد. به گفته منبع دیپلماتیک مورد استناد روزنامه، مخالفت ولیعهد عملاً مانع پیشبرد طرح معادله مستقیم اسرائیل در یمن شده است. این تلاش در چارچوب هدف گسترده‌تر نتانیاهو برای عادی‌سازی روابط با عربستان دنبال می‌شود. دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور آمریکا، طی ماه‌های اخیر چندین بار ایده پیوستن ریاض به توافق‌نامه‌های ابراهیم و برقراری روابط رسمی با اسرائیل را مطرح کرده است. همچنین، لیدسی گراهام، سناتور آمریکایی نزدیک به ترامپ و نتانیاهو، در هفته‌های پایانی زندگی خود تلاش می‌کرد عادی‌سازی روابط عربستان و اسرائیل را به یکی از محورهای نظم سیاسی خاورمیانه پس از جنگ با ایران تبدیل کند. هآرتص یادآور شده است که توافق احتمالی با عربستان در پاییز ۲۰۲۳ نزدیک به حصول به نظر می‌رسید و این موضوع، بنا بر برخی گزارش‌ها، یکی از عوامل مؤثر بر محاسبات نتانیاهو در آستانه حمله هفتم اکتبر حماس بود. بااین‌حال، موضع رسمی عربستان همچنان بر این اساس است که عادی‌سازی روابط با اسرائیل به پیشرفت واقعی در مسیر تشکیل کشور فلسطینی وابسته است.

این تلاش دیپلماتیک در شرایطی صورت می‌گیرد که جبهه یمن با تحولات نظامی مهمی روبه‌روست. طبق گزارش هآرتص، انصارالله در اوایل سپتامبر در امتداد سواحل غربی یمن و کرانه دریای سرخ پیشروی کرد و شهر راهبردی مخا و چند جزیره در این دریا را به تصرف درآورد. این تحولات به گفته گزارش، موقعیت این گروه را در بخش یمنی تنگه باب‌المندب تقویت کرد؛ گذرگاهی مهم برای تجارت و حمل‌ونقل دریایی بین‌المللی. در ادامه، نیروهای دولت یمن که از سوی جامعه بین‌المللی به رسمیت شناخته می‌شود، با پشتیبانی تشدید حملات هوایی از استیلا بر رهبری عربستان، عملیاتی را علیه نیروهای انصارالله در منطقه ساحلی دریای سرخ آغاز کردند و شهر مخا را دوباره به تصرف درآوردند.

هم‌زمان، هآرتص از حملات منتسب به حوثی‌ها علیه عربستان، از جمله حملاتی به فرودگاه بین‌المللی ریاض خبر داده است. بر اساس ارقام دست‌آمیز در گزارش، حمله موشکی روز شنبه به این فرودگاه دست‌کم ۱۲ کشته و ۳۰۹ زخمی بر جای گذاشت و حمله روز بعد نیز یک کشته و ۱۱ زخمی داشت. نتانیاهو پس از حمله روز شنبه، در پیامی در شبکه اجتماعی ایکس، این حمله را محکوم کرد و به خانواده قربانیان تسلیت گفت. او همچنین بر ضرورت شکل‌گیری خاورمیانه‌ای متحد در برابر تهدیدها و بر برخورد از امنیت، همکاری و شفافیتی تأکید کرد. این موضع‌گیری در کنار تلاش گزارش شده برای جلب همراهی عربستان، نشان می‌دهد که تل‌آویو در پی پیوندزدن تحولات جبهه یمن با چشم‌انداز گسترش روابط منطقه‌ای خود است. بااین‌حال، مخالفت بن‌سلمان با مداخله نظامی اسرائیل و تأکید ریاض بر پیشرفت در مسئله فلسطین، موانعی جدی در مسیر تحقق این اهداف به شمار می‌روند. گزارش هآرتص از تلاش نتانیاهو حکایت دارد، نه از توافق نهایی عربستان با مشارکت نظامی اسرائیل. در نهایت، بی‌بی‌میان بیم و انتظار، چشم‌به‌راه تصمیم ترامپ درباره ایران است و یقیناً این تصمیم می‌تواند مسیر منطقه را به سوی توافق یا رویارویی دوباره ببرد. صداآلته که نتانیاهو می‌کوشد بر این معادله اثر بگذارد، اما همه‌چیز مطابق خواست تل‌آویو پیش نمی‌رود و در این بین نخست‌وزیر اسرائیل همچنان روی خط ابهام حرکت می‌کند؛ از یک سو با نگرانی از توافقی که آن را ناکافی می‌داند و از سوی دیگر با احتمال بازگشت به جنگ و پیامدهای پیش‌بینی‌ناپذیر آن مواجه است و در این میان، هندسه بحران پیچیده‌تر از آن است که تنها با فشار و تهدید ترسیم شود و معادله ناتمام بی‌با با ایران همچنان میان دیپلماسی و خطر جنگ محلق مانده است. حالا باید منتظر ماند و دید در این روزهای منتهی به انتخابات کنست تصمیم نتانیاهو چه خواهد بود.